

نسخ در قرآن

ماموستا بهروز عزیزی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سؤال ۶۲ - سلام علیکم ، آیا قرآن ناسخ و منسوخ دارد؟

جواب: الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی رسوله الامین و علی آله و صحابته اجمعین. أما بعد: و علیکم السلام و رحمة الله . در جواب سؤال شما عرض مینمایم که: ابتداءً بایستی معنای (نسخ ، و ناسخ) را بدانیم. نسخ در لغت ، مصدر فعل ثلاثی (نَسَخَ ، یَنْسَخُ ، نَسْخًا) بوده ، و بر چهار معنای لغوی میآید:

الف) بمعنی اِزالت و کنار زدن و برداشتن ، مثلاً گفته میشود: « نَسَخَتِ الشَّمْسُ الظِّلَّ » یعنی : خورشید سایه را از بین برد. و این معنی لغوی در قرآن کریم وارد شده است: قال تعالی: ﴿ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ﴾ . (الحج: ۵۲). ترجمه: « اما خداوند آنچه را که شیطان القاء نموده است از میان برداشته و سپس آیات خود را محکم و استوار گردانیده است ».

ب) بمعنی تبدیل و تغییر : مثلاً گفته میشود: « نَسَخَتِ الرِّيحُ آثَارَ الدِّيَارِ » . یعنی : باد ، آثار و شکل و شیوه ی این دیار را تغییر داد. و نسخ به این معنای لغوی در این آیه از قرآن آمده است : ﴿ وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ ﴾ . (النحل: ۱۰۱). ترجمه: « هرگاه آیه ای را به جای آیه دیگری قرار دهیم ».

ج) به معنی تحویل (که در اصل بمعنای : نقل از یک مکان به مکانی دیگر است). مثلاً گفته میشود: «تناسخ المیراث» ، که به معنای تحویل میراث از کسی به کسی دیگر است. (مناسخات در باب میراث : این است که قبل از تقسیم ترکه ، یک نفر یا بیشتر از وارثان فوت نماید) .

د) به معنای نقل از یک مکان به مکانی دیگر. (تقریباً این همان معنای سوم است). مثلاً گفته میشود: « نَسَخْتُ الْكِتَابَ » . هرگاه مطالب داخل کتاب را به کتاب یا دفتر دیگری انتقال داده و آنجا بنویسی (اصطلاحاً : نسخه برداری). و نسخ به این معنای لغوی در این آیه از قرآن وارد شده



است: ﴿ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾. (الجاثية: ۲۹). ترجمه: « ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می دادید ». ^۱

امام السیوطی رحمه الله بعد از نقل این چهار معنا ، بیان نموده است که (النسخ) به معنای شرعی و اصطلاحی آن نیز ، همین چهار معنا را در بر دارد. البته راجع به معنای چهارم ، بیان نموده که بعضی از علماء ، این معنا را داخل در مفهوم اصطلاحی آن نمیدانند.

بنابراین میتوان گفت که نسخ در اصطلاح شرعی در نزد متأخرین ، و آنچه که مورد نقاش ما است ، عبارت است از : « إزالة ما استقر من الحكم الشرعی بخطاب وارد متراخياً ، لولاه لكان السابق ثابتاً ». یعنی : برداشتن آنچه از حکم شرعی ای که قبلاً در شرع مستقر و موجود بوده ، با حکم و خطاب شرعی ای که بعداً از جانب شارع وارد میشود ، که اگر این خطاب متأخر نمیبود ، آن حکم سابق ، ثابت و پابرجا ، باقی میماند. (تقریباً این تعریف در جمیع کتب معتبر اصول فقه ، ذکر گردیده است).

امام الشوکانی رحمه الله تعالی میفرماید: « النَّسْخُ جَائِزٌ عَقْلًا وَاقِعٌ سَمْعًا، بِلَا خِلَافٍ فِي ذَلِكَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، إِلَّا مَا يَرَوِي عَنْ أَبِي مُسْلِمٍ الْأَصْفَهَانِيِّ، فَإِنَّهُ قَالَ: إِنَّهُ جَائِزٌ، غَيْرٌ وَاقِعٌ. وَإِذَا صَحَّ هَذَا عَنْهُ فَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ جَاهِلٌ بِهَذِهِ الشَّرِيعَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ جَهْلًا فَطِيعًا ».^۲

ترجمه: « وقوع نسخ در شریعت ، از لحاظ عقلی جائز بوده ، و از لحاظ نقلی هم ، وقوع آن ثابت گردیده است ، و در میان مسلمانان کسی در این موضوع خلاف نظری ندارد ، مگر آنچه از ابو مسلم اصفهانی (معتزلی مذهب ، متوفای ۳۲۲ هـ) روایت شده که گفته است: « وقوع نسخ ، از لحاظ عقلی جائز است ، اما وقوع آن در شرع ، ثابت نیست ». و اگر این قول از ابومسلم ثابت باشد ، دلالت دارد بر اینکه او فرد جاهلی به این شریعت محمدی بوده است ، جاهلی با جهلی بسیار شدید ».

^۱ - مراجعه نمایید به : الإتيان في علوم القرآن للسيوطي ص ۵۱۸ . ط: دارالكتاب العربي .

^۲ - ارشاد الفحول ۲ / ۵۲ .



إمام السيوطي رحمه الله ، إجماع مسلمانان بر جواز نسخ در شريعت را نقل نموده ، و فرموده ، يهود انكار وقوع نسخ در شريعت را نموده اند.^۳

و بسياري ديگر از علماء امت ، إجماع علماء بر وقوع نسخ در أحكام شريعت إسلام (قرآن و سنت) را نقل نموده اند.^۴

بنابر اين ، اينکه نسخ در أحكام شريعت اسلام (چه قرآن ، و چه سنت) واقع شده است ، از أمور معلوم من الدين بالضرورة بوده ، و امت اسلام و سلف صالح بر آن اتفاق نظر داشته اند ، تا اينکه فردی معتزلی به نام ابومسلم اصفهانی آمده و وقوع نسخ در شريعت را انكار نمود. و اين قول او ، آنقدر بی أساس و ضعيف است که إمام الشوكاني رحمه الله در (ارشاد الفحول) ، بيان نموده که چنين قولی ، أصلاً به عنوان قول مخالف إجماع ، محسوب نشده ، و آنقدر ضعيف و بی أساس است که بهتر است حتی بعد از اين در کتب أصول فقه ذکر نموده نشود.

و کلام امام الشوكاني رحمه الله صحيح است ، زيرا علماء امت قبل از آمدن ابومسلم اصفهانی ، بر وقوع نسخ در شريعت ، إجماع نموده ، و در اين خصوص خلافي در ميانشان نبوده است. و بر اين أساس بوده که بسياري از علماء کبار ، مؤلفات مستقلي در بيان (ناسخ و منسوخ) قرآن کریم ، و سنت رسول الله ﷺ تأليف نموده اند. از جمله کسانی که در مسأله ي (ناسخ و منسوخ) قرآن شريف تأليف نموده اند:

۱- (الناسخ والمنسوخ في القرآن العزيز وما فيه من الفرائض والسنن) ، تأليف: إمام أبي عبيد القاسم بن سلام الهروي. (ت ۲۲۴هـ).

^۳ - الاتقان في علوم القرآن ص ۵۱۸ .

^۴ - از جمله ، مراجعه شود به : (المعتمد لأبي الحسن البصري ۱ / ۴۰۰ ، و إحكام الفصول للباجي ص ۳۹۱ ، و قواطع الأدلة للسمعاني ۳ / ۷۵ ، و الإحكام للآمدي ۳ / ۱۱۵ ، و منتهى الوصول لابن الحاجب ص ۱۵۴ ، و الإبهاج لابن السبكي ۲ / ۲۲۷ ، و الفقيه و المتفقه للخطيب البغدادي ۱ / ۱۲۲ ، و روضة الناظر لابن قدامة الحنبلي ۱ / ۲۰۰ ، و تفسير ابن كثير ۱ / ۱۵۶ ، و شرح الكوكب المنير ۳ / ۵۳۵ ، و تيسير الكريم الرحمن للسعدي ۱ / ۱۲۲ ، و أضواء البيان ۳ / ۳۶۰ ، ۳۶۱ و ...) .



- ۲- (الناسخ والمنسوخ فى القرآن الكريم) . تأليف : أبى جعفر محمد بن أحمد بن إسماعيل الصفّار المرادى النحوى المصرى المعروف بأبى جعفر النحاس، توفى سنة ۳۳۸ هـ .
- ۳- (نواسخ القرآن) . تأليف : إمام جمال الدين أبى الفرج عبد الرحمن بن على بن محمد بن الجوزى المتوفى سنة ۵۹۷ هـ .
- ۴- (الإيضاح فى ناسخ القرآن ومنسوخه، ومعرفة أصوله واختلاف الناس فيه). تأليف : أبى محمد مكى بن أبى طالب القيسى المتوفى سنة ۴۳۷ هـ
- ۵- (الناسخ والمنسوخ لأبى بكر بن العربى). تأليف: إمام ابن العربى المالکى، المتوفى ۵۴۳ هـ.
- ۶- (النسخ فى القرآن الكريم). تأليف : لأستاذ مصطفى زيد رحمه الله. (که از بهترین کتابهای موجود در این باب میباشد. ایشان در این کتاب ، آراء و نظرات أبومسلم اصفهانی و هم رأیانش را در هم کوبیده است).
- ۷- (قلائد المرجان فى الناسخ والمنسوخ من القرآن). تأليف: مرعى بن يوسف الكرمى المقدسى الحنبلى المتوفى سنة ۱۰۳۳ هـ.
- ۸- (فتح المنان فى نسخ القرآن). تأليف: الشيخ على حسن العريض رحمه الله، یکی از علماء الأزهر الشريف.
- ۹- (معرفة الناسخ و المنسوخ). تأليف: امام ابن حزم الأندلسى رحمه الله .
- ۱۰- (الناسخ والمنسوخ). تأليف :أبى منصور عبد القاهر بن طاهر بن محمد البغدادى رحمه الله.
- ۱۱- (نظرية النسخ فى الشرائع السماوية). تأليف: الدكتور شعبان محمد شعبان.
- ۱۲- (ناسخ القرآن العزيز ومنسوخه). تأليف : هبة الله بن عبد الرحيم بن إبراهيم المعروف بشرف الدين بن البارزى المتوفى سنة ۷۳۸ هـ
- ۱۳- (الناسخ والمنسوخ). تأليف: إمام محمد بن مسلم بن شهاب الزهرى رحمه الله المتوفى سنة (۱۲۴ هـ). و ...
- از أدله ای که دلالت بر وقوع نسخ در احکام شریعت (نسخ در قرآن و سنت) دارند:

آیه ی ۱۰۶ از سوره البقرة: ﴿ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ﴾ .
و آیه ی ۱۰۱ از سوره النحل : ﴿ وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ ﴾ . و آیه ی ۳۹ از سوره الرعد: ﴿ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴾ . و ... را میتوان ذکر نمود.
و از نمونه های نسخ در قرآن کریم چند مورد را ذکر مینماییم:
(۱) نسخ قبله از بیت المقدس به سوی کعبه ی مشرفة در المسجد الحرام. (البقرة: ۱۴۴).
(۲) وجوب صدقه دادن در هنگام خلوت و نجوی نمودن با پیامبر ﷺ در آیه ی (۱۲ المجادله)
وارد شده بود ، با آیه ی ۱۳ همان سوره نسخ گردید .
(۳) مصابرة در مقابل دشمن در جهاد ، که ابتداءً واجب بود که یک مسلمان در مقابل ۱۰ کافر
ایستادگی نموده و حرام بود در این حالت فرار کند ، سپس در آیه ی بعدی این حکم نسخ گردیده
، و از وجوب ایستادن در مقابل ۱۰ نفر ، به وجوب ایستادن در مقابل ۲ نفر تخفیف داده شد. (الأنفال: ۶۵-۶۶). و

لازم به ذکر است که ، با وجود متواتر بودن وقائعی که متضمن و إثبات کننده ی واقع شدن نسخ در قرآن و سنت هستند ، و نیز با وجود إجماع علماء أمت بر این موضوع ، اما باز هم کسانی از مسلمانان وقوع نسخ در قرآن را إنکار نموده اند ، کسانی همچون : أبو مسلم الأصفهانی ، و عبد المتعال محمد الجبری یکی از متفکران اسلامی معاصر ، و شیخ محمد الغزالی المصری ، مفکر اسلامی معاصر (در کتابش : نگرشی نو در فهم قرآن) ، و شیخ عبدالکریم الخطیب مفکر اسلامی معاصر ، و دکتر مصطفی زلمی ، و

شرح و بسط موضوعات مربوط به (ناسخ و منسوخ) در قرآن کریم ، و ذکر أنواع آن و ... ، در این مختصر ، که جواب سؤال شماست نمیگنجد ، اما خلاصتاً بایستی بدانیم که :
موضوع ناسخ و منسوخ در شریعت و در قرآن کریم ، از امور ثابت شرعی و از مسائلی است که علماء سلف صالح بر آن إجماع نظر نموده اند ، و شکی در حق بودنش نیست. و اما اینکه در دوران ما - با کمال تأسف - هر رأی و نظر شاذ و بی اساسی توسط کسانی رایج شده و کتابهایی راجع به آن نوشته و ترجمه شده و کم کم این آراء شاذ در جامعه شایع میشوند ، پیش

آمدن چنین وضعیت و حالاتی ، نشان از کم کاری اهل علم و اهل حق در بیان و تبیین کافی و شافی مسائل مختلف شرعی دارد ، و نشان میدهد که رائج و شائع شدن چنین آراء شاذ و اشتباهی ، بسبب میدان خالی نمودن اهل حق ، و عدم أداء وظیفه ی دینی و دعویشان بنحو احسن است. لذا بنده ، خود و طلاب علم و علماء را توصیه مینمایم که: بیایید باری دیگر از نو ، به تراث پر بار سلف صالح و علماء کرام امت مراجعه نماییم و در احیاء مفاهیم صحیح دینی و علوم شرعی بیش از پیش کوشا باشیم ، تا خورشید حق و حقیقت مانند گذشته بر مسلمانان تابان بوده و در پشت ابرهای بدعت و انحراف مبتدعین و منحرفین و مخطئین پنهان نماند. إن شاء الله . والله تعالی أعلم و صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.
